



بررسی رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی

مهدی پولادپور^۱، محمد مهدی احمدی^۱

۱- دانشجویان کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی کرمانشاه

mahdipuladpur@gmail.com

چکیده

هدف نوشتار حاضر این است تا تعلیم و تربیت اسلامی را به عنوان رویکردی جامع و همه‌جانبه بررسی کند. قبل از پرداختن به بحث، به بیان توضیحی از واژه‌های اساسی تعلیم و تربیت پرداخته می‌شود. از آنجا که تعلیم و تربیت اسلامی با پذیرش اسلام و اصولی اسلامی، دارای هویتی کاملاً متمایز از سایر رویکردهای تربیتی شده است؛ به همین دلیل در ابتدا برخی از مهم‌ترین مبانی و اصول رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی بیان می‌شود. در ادامه با گذری بر نقش معلم و خانواده در تعلیم و تربیت اسلامی برخی از اساسی‌ترین چالش‌های تعلیم و تربیت اسلامی بررسی می‌شوند. سپس با توجه به ضرورت غلبه تعلیم و تربیت اسلامی بر این چالش‌ها، راهکارهایی برای غلبه بر چالش‌های موجود و بازنگری در تعلیم و تربیت اسلامی بیان می‌شوند. البته باید توجه داشت که با توجه به گسترده بودن مباحث، در این مقاله سعی شده است تا مهم‌ترین موضوعات مرتبط با رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی بررسی شوند و لذا به موضوعات جزئی کمتر پرداخته شده است. این مقاله با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است و منابع آن با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند.

کلید واژه‌ها: تعلیم و تربیت اسلامی، رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی، چالش‌های تعلیم و تربیت اسلامی



۱- مقدمه

همواره تربیت به عنوان یکی از مبانی اصلی فرهنگ و تمدن بشری، پیوندی ناگسستنی با دین داشته است. «تربیت اگر بر اساس دین بنا شود و با اعتقاد و اخلاق مذهبی هم‌ریشه گردد، می‌تواند تربیتی جامع و کامل باشد و در سعادت دنیا و آخرت انسان مفید باشد» (کاویانی، صدیقه و نوروزی، رضاعلی، ۱۳۹۸). تعلیم و تربیت دو مفهوم مرتبط با یکدیگر هستند و در کنار یکدیگر می‌توانند به رشد و تکامل همه‌جانبه انسان‌ها کمک کنند. بر همین اساس تعلیم و تربیت اسلامی نظامی از تعلیم و تربیت است که براساس آموزه‌ها، مبانی و اصول اسلامی شکل گرفته است. تعلیم و تربیت اسلامی در طول تاریخ دارای رویکردها و روش‌های متفاوتی بوده است، اما در واقع این هویت اسلامی است که وجه غالب در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی بوده است و آن را از سایر رویکردهای تربیتی جدا و متمایز ساخته است.

تعلیم دینی همواره دو هدف اساسی را پیگیری می‌کند؛ هدف اول انسان‌سازی و هدف دوم تمدن‌سازی است که آن هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تامین می‌کند (بهرامی پور، فرمهبینی فراهانی و سبحانی نژاد، ۱۳۹۹). برخی از جامعه‌شناسان معتقدند این جمع افراد است که جامعه را می‌سازد؛ به همین دلیل به نظر بسیاری از صاحب نظران در حوزه تعلیم و تربیت، با انسان‌سازی می‌توان تمدن‌سازی کرد. از آنجا که اسلام کامل‌ترین دین است، به همین دلیل به تمامی جنبه‌های تعلیم و تربیت نگاه ویژه‌ای کرده است. از نگاه اسلام، تعلیم و تربیت امری مقدس و دارای اهمیت بسیار زیاد است. اسلام بر این باور است که انسان دارای استعدادهای بالقوه فراوانی است که باید با تعلیم و تربیت به فعلیت درآیند. هدف از تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش انسان کاملی است که از نظر علمی، اخلاقی، و معنوی به کمال رسیده باشد. از این جهت تعلیم و تربیت اسلامی در بسیاری از موارد تفاوت دارد؛ به عنوان مثال، تعلیم و تربیت اسلامی بر پرورش انسان کامل تأکید دارد، در حالی که سایر رویکردهای تربیتی ممکن است بر پرورش انسان‌های متخصص یا کارآمد تأکید داشته باشند. همچنین، تعلیم و تربیت اسلامی بر ارزش‌های اسلامی استوار است، در حالی که سایر رویکردهای تربیتی ممکن است بر ارزش‌های دیگری استوار باشند.

تعلیم و تربیت اسلامی با چالش‌هایی روبه‌رو است که کارآمدی نظام تعلیم و تربیت اسلامی به حل آنها وابسته است. در این میان نقش معلمان و خانواده در حل این چالش‌ها بسیار پررنگ‌تر است؛ به همین جهت در این مقاله پس از بررسی برخی از اصول، مبانی، اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، به بررسی مختصری از نقش معلمان و خانواده در تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته می‌شود. در ادامه هم با بیان برخی از مهم‌ترین چالش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، راهکارهایی برای مقابله با آنها بیان می‌شود.



۲- مفهوم شناسی

تعلیم

از نظر لغوی این واژه به معنای آموختن است. «تعلیم به معنای یادگرفتن و دانش آموختن است؛ چنان که تعلیم به معنای آموختن و آموزش دادن است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۴، ۵۹۷۱). در اصطلاح، تعلیم فرآیندی است که در آن دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌ها از یک فرد یا گروه به فرد یا گروه دیگر منتقل می‌شوند و منجر به تغییر در یادگیرنده می‌شوند. این فرآیند می‌تواند به صورت رسمی (در مدارس و دانشگاه‌ها) یا غیررسمی (در خانواده، محیط کار یا جامعه) انجام شود و یا اینکه به صورت آموزش خودآموزی انجام شود؛ آموزش خودآموزی زمانی انجام می‌شود که فرد بدون کمک دیگران به یادگیری می‌پردازد.

در تعلیم به جز نوع خودآموزی، معلم نقش بسیار مهمی دارد. لازم به ذکر است که واژه معلم در در تربیت غیررسمی لفظی عام است که به هر شخصی گفته می‌شود که در فرآیند تعلیم نقش داشته باشد. با در نظر گرفتن نقش تاثیرگذار معلم، می‌توان تعلیم را فرآیندی تعریف کرد که در آن زمینه‌ها برای فراگیری دانش، از سوی معلم فراهم می‌شوند. مفهوم تربیت بسیار گسترده‌تر از تعلیم است و در واقع تعلیم برخلاف تربیت که جنبه عملی دارد، جنبه ذهنی دارد.

مفهوم تعلیم را می‌توان از دو جنبه کلی بررسی کرد:

۱- جنبه محتوایی: در این جنبه، محتوای تعلیم مورد بررسی قرار می‌گیرد. محتوای تعلیم می‌تواند شامل اطلاعات، دانش‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها باشد.

۲- جنبه فرآیندی: در این جنبه، فرآیند تعلیم مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرآیند تعلیم شامل روش‌های تدریس، روش‌های یادگیری، منابع آموزشی و محیط آموزشی است.

تربیت

تربیت از نظر لغوی از ریشه رب و به معنای پرورش دادن است. برای تربیت تعریف جامعی وجود ندارد. «گاهی واژه تربیت در معنایی اعم از آموزش و پرورش استعمال می‌شود و پرورش همه ابعاد انسان را مد نظر دارد؛ مانند این کاربرد: سعدی در نظامیه بغداد تربیت یافت» (کاردان و دیگران، ۱۳۷۲: ۳۳۷). با توجه به تحلیل فلسفی تربیت و تطبیق آن بر مفهوم حرکت، می‌توان آن را بدین صورت تعریف کرد: تربیت عبارت است از فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۱). بسیاری از روانشناسان معتقدند که تربیت عملی است آگاهانه از سوی فردی بالغ، درباره گروهی به منظور ایجاد تحول در آنها. برخی از جامعه‌شناسان نیز با توجه به مبانی علوم اجتماعی، تربیت را پرورش عضوی مفید برای جامعه تعریف کرده‌اند. کانت،



فیلسوف سرشناس آلمان در قرن ۱۸ معتقد بود که تربیت عبارت است از آماده کردن کودک برای کامیابی در جهت آینده که به مراتب از جامعه کنونی بهتر است.

با این وجود بسیاری از صاحب نظران معتقدند که تربیت شکوفا کردن استعدادهای آدمی برای رسیدن به سعادت است. این تعریف با دیدگاه اسلام هم منطبق است. «در واقع تربیت، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادهای انسان در جهت مطلوب می باشد» (رضایی، نوروزی و سپاهی، ۱۳۹۷). البته از منظر اسلام تربیت صرفاً به ساحت جسم منحصر نمی شود بلکه ابعاد روحی انسان را هم شامل می شود.

۳- انواع رویکردهای تعلیم و تربیت اسلامی

۱- رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت

این رویکرد به تعلیم همه آموزه‌هایی که از قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اقتباس شده است، می پردازد. این رویکرد غالب ترین رویکرد در تعلیم و تربیت اسلامی در طول تاریخ بوده است که از قدیمی ترین رویکردهای تعلیم و تربیت هم محسوب می شود. البته رواج این رویکرد، امروزه بسیار محدود شده و تنها در لایه‌های سنتی کاربرد دارد. در این رویکرد، بر اساس آیات و روایات به تشریح حقوق و وظایف معلم و متعلم (شاگرد) نیز پرداخته شده است. به تدریج افرادی که از این رویکرد استفاده می کردند، براساس گرایش‌هایی که داشتند، به سه گروه تقسیم شدند:

الف) گروهی که گرایش به حدیث داشتند: این گروه که بیشتر شامل اهل حدیث بودند، بررسی مسائل تعلیم و تربیت را تنها با رجوع به آیات قرآن کریم، احادیث پیامبر (ص)، امامان معصوم (ع) و همچنین صحابه و عمل دقیق و بدون چون و چرا به آنها میسر می دانستند.

ب) گروهی که گرایش به اخلاق داشتند: این گروه بیشتر بر بعد اخلاقی انسان‌ها تاکید می کردند و در رجوع به احادیث و قرآن سعی داشتند که تنها مواردی را مطرح کنند که به اخلاق، فضائل و رذایل انسان مربوط می شوند. درواقع می توان گفت که این گروه مبنای اساسی تعلیم و تربیت را اخلاق و مباحث مربوط به آن می دانستند و لذا بیشتر بر این مباحث و آن هم با تحلیل و تفسیر آیات و روایات، تاکید داشتند.

ج) گروهی که گرایش به فقه داشتند: این گروه، آیات و روایات مربوط به تعلیم و تربیت را براساس مسائل فقهی و به ویژه احکام پنجگانه، تحلیل و تفسیر می کردند. درواقع این گروه بیشتر به تدوین قوانین اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت، براساس آیات و روایات می پرداختند و احکام کارهایی که معلم و متعلم انجام می دادند را تعیین می کردند؛ برای مثال حدود حقوق و وظایف معلم در تنبیه و تشویق شاگردانش را مورد بررسی قرار می دادند.



۲- رویکرد صوفیانه

این رویکرد، دارای نوعی نظام و روابط شیخ و مریدی است. «این نظام تربیتی در مقابل تربیت انبیاء قرار می گیرد که عام است و نصیب همگان می گردد» (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۹۱). در این رویکرد، تربیت مخصوص افرادی است که مشتاق آن هستند و بنابراین، در این نوع رویکرد، تربیت عمومی معنا ندارد. در این رابطه مرید تابع شیخ یا همان مراد است تا بتواند، با او در راه سیر و سلوک گام بردارد. «درحقیقت در چارچوب نظام مرید و مرادی است که هدف تربیت خاص صوفیان (وصول به درجه انسان کامل) تحقق می یابد» (همان، ۹۰).

به طور کلی رویکرد صوفیانه یا همان صوفیه، به تعلیم و تربیت، دیدگاه دینی و اسلامی دارد؛ البته با رویکرد مبتنی بر کتاب و سنت کاملا متفاوت است. در رویکرد صوفیانه شیخ قصد ندارد که مطلب یا چیزی را به مرید بیاموزد، بلکه فقط می خواهد که استعدادهای مرید را شکوفا کند و او را راهی وادی سیروسلوک کند. صوفیان، با استناد به حدیثی منسوب به پیامبر اکرم (ص) معتقدند که مرتبه و درجه شیخ همانند پیامبران است.

البته امروزه، دیگر خبری از این رویکرد، به خصوص در نظام رسمی تعلیم و تربیت نیست و به گونه ای می توان گفت که امروزه این رویکرد، جایی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی ندارد یا حداقل در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، خبری از آن نیست.

۳- رویکرد فلسفی

در این رویکرد، فیلسوفان براساس اصول فلسفی، دیدگاه ها و مسائل مربوط به تعلیم و تربیت را مورد بررسی قرار می دهند و تجزیه و تحلیل می کنند. پس از آن، فیلسوفان نتایج به دست آمده را با تعالیم اسلامی مطابقت می دهند. این رویکرد در آثار فیلسوفان مسلمانی همچون کندی، فارابی، ابن سینا، و خواجه نصیر الدین طوسی یافت می شود و عمدتاً ریشه در تفکر فیلسوفان یونانی دارد. با توجه به نقش فلسفه خسروانی ایران باستان، می توان منشا دیگر رویکرد فلسفی به تعلیم و تربیت را اندیشه های فیلسوفان ایران باستان دانست که بخش هایی از آن در کتاب های برخی از فیلسوفان مسلمان، از جمله ابن مسکویه آمده است.

با وجود عمق مبانی این رویکرد در تعلیم و تربیت اسلامی، به طور مستقل توجه ویژه ای به آن نشده است، اما در دوران جدید و با رسمیت یافتن آموزش و پرورش همگانی و عدم پاسخگویی کافی علوم نقلی، توجه به این رویکرد فلسفی به طور جدی در دستور کار قرار گرفت و بسیاری از محققان برای تبیین مسائل تعلیم و تربیت و ساماندهی آراء تربیتی دین، به طور ویژه ای، به آن روی آوردند.



۴- مبانی تعلیم و تربیت اسلامی

مبانی تعلیم و تربیت اسلامی شامل تمامی پیش فرض های موجود در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی است که زیربنای بنیان‌های این رویکرد محسوب می‌شود. مبانی تعلیم تربیت اسلامی موضوعات سطحی و جزئی را شامل نمی‌شود؛ بلکه در مورد موضوعات اساسی مانند باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیرشان از مرگ و زندگی است. البته تمامی این مبانی در چارچوب تعالیم اسلامی تعیین می‌گردند و در قالب اصول و دیدگاه جهان‌شناختی، دارای هویتی متمایز از سایر جریان‌ها می‌گردد.

در خصوص مبانی تعلیم و تربیت اسلامی می‌توان گفت این مبانی «گزاره‌هایی خبری هستند یا بدیهی شمرده شده یا از دانش‌های دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تعیین اهداف، اصول، مراحل، عوامل، موانع و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی به کار می‌آیند» (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

با توجه به مطالب ذکر شده، مبانی اساسی تعلیم و تربیت اسلامی به چهار بخش تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

(الف) - مبانی جهان‌شناختی: این مبانی شامل بنیادی‌ترین دیدگاه‌های تعلیم و تربیت اسلامی به تمام هستی هستند. این مبانی هدفمندی و قانونمندی جهان، هدایت و پرورش آن توسط خداوند و نیز منشا جهان که خداوند است را شامل می‌شوند که به طور ویژه‌ای، اساسی‌ترین موضوعات جهان‌بینی اسلامی هستند.

(ب) - مبانی انسان‌شناختی: انسان، مهم‌ترین موضوع در تعلیم و تربیت است؛ بنابراین، نیازمند آن است تعلیم و تربیت اسلامی عمیق‌ترین نگاه خود به انسان را بیان کند.

انسان‌شناسی اسلامی، مجموعه گزاره‌هایی است که دیدگاه اسلام را درباره انسان در سطح کلی، فراگیر و جامع بیان می‌کند. مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی نیز گزاره‌هایی از انسان‌شناسی اسلامی است که در ترسیم چارچوب کلی تعلیم و تربیت اسلامی نقش ایفا می‌کند (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰: ۴۵).

(ج) - مبانی معرفت‌شناختی: این مبانی شامل دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی درباره مسائل مختلف پیرامون امکان‌شناخت، ابزارها و حدود شناخت، روش‌های شناخت و... می‌باشد. از آنجا که تعلیم و تربیت اسلامی معرفت و شناخت را به حس و تجربه محدود نمی‌کند، بنابراین، عقل، شهود و وحی از مهم‌ترین و معتبرترین روش‌های شناخت در تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می‌شوند. از نظر مبانی اسلامی، وحی معتبرترین راه شناخت است که مختص پیامبران است.

(د) - مبانی ارزش‌شناختی: این مبانی بیانگر دیدگاه جامع اسلامی به ارزش‌ها و موضوعات پیرامون آن هستند. این مبانی در مورد موضوعاتی همچون چیستی ارزش، انواع ارزش و معیارهای تقسیم‌بندی ارزش هستند که نقش مهمی در چارچوب و اصول تعلیم و تربیت اسلامی دارند.

به طور کلی مبانی اسلامی بسیار زیاد هستند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در جدول مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱-۱ بیان شده‌اند.



جدول مبانی تعلیم و تربیت اسلامی (۱-۱)

| مبانی جهان شناختی | مبانی انسان شناختی | مبانی معرفت شناختی | مبانی ارزش شناختی |
|---|--|---|---|
| ۱- جهان و تمام موجودات آن مخلوق خدا و تحت ربوبیت او و حاکمیت او هستند | ۱- انسان دارای دو ساحت جسمانی و روحانی است | ۱- دانش دست یافتنی است | ۱- ارزش ها ریشه در واقعیت دارند و اثبات پذیر هستند |
| ۲- جهان هدایت یافته و قانونمند است | ۲- حقیقت انسان روحانی است | ۲- دانش با واقعیت مطابقت دارد | ۲- عقل و وحی و تجربه راه های تشخیص ارزش معتبر هستند |
| ۳- خداوند منبع همه کمالات است | ۳- انسان دارای حقیقتی جاودانه است | ۳- دانش دارای مراتب مختلفی است | ۳- ارزش ها تنوع داشته و همه آنها وابسته به ارزش غایی (قرب الهی) هستند |
| ۴- جهان هدفمند است | ۴- انسان دارای اختیار و عقل و نیز گرایش های گوناگون است | ۴- ابزار های معرفت متنوع هستند و علاوه بر حواس عقل، قلب و وحی نیز از ابزار معرفتی معتبر هستند | ۴- اصول ارزشی ثابت اند و دیگر ارزش ها متغیرند |
| ۵- جهان به عالم طبیعت محدود نمی شود | ۵- انسان دارای فطرت الهی مشترک همراه با تفاوت های فردی هستند | ۵- شناخت آدمی دارای محدودیت ها و موانعی است | ۵- علم از ارزش هایی مهم است |
| ۶- عالم طبیعت فنا پذیر است | ۶- انسان خلیفه خداوند در زمین و برخوردار از کرامت است | ۶- معرفت با نیازها متناظر است | ۶- حیات طیبه، وضع مطلوب وجود آدمی است |
| ۷- عالم طبیعت تدریجی است | ۷- همه انسان ها برابر هستند | | ۷- عدالت اساسی ترین ارزش و احسان متمم عدالت است |
| ۸- عالم طبیعت محدود است | ۸- هویت انسان به تدریج شکل می گیرد و دارای چند وجه است. | | |

۵- اصول تعلیم و تربیت اسلامی

اصول تعلیم و تربیت اسلامی بسیار گسترده هستند و هر کدام از مبانی اسلامی باعث ایجاد اصولی خاص می شوند که با توجه به گسترده بودن آن ها، از توضیح آنها صرف نظر کرده و به اختصار، مهم ترین اصول عام تعلیم و تربیت اسلامی را بیان می کنیم؛

۱- خدامحوری: اساسی ترین اصل تعلیم و تربیت اسلامی است. از نظر اسلام، همه موجودات از جمله انسان، مخلوق خدا هستند و باید در تمام شئون زندگی خود، خدا را محور قرار دهند و از آنجا که تمام هستی از وجود خداوند سرچشمه می گیرد، مهم ترین اصل و هدف زندگی، باید تقرب به او باشد. بر این اساس تمامی اهداف، برنامه ها و روش های تعلیم و تربیت اسلامی بر همین معیار، یعنی خدامحوری و تقرب به خدا قابل پذیرش بوده و هرگونه امری که با این اصل ناسازگار باشد، باید طرد گردد.



۲- فطرت گرایی: طبق این اصل متری باید بکوشد که فطریات (استعدادهای) متری را کشف کند و زمینه را برای رشد و شکوفایی آنها فراهم کند.

تربیتی که اساس برنامه‌ها، اقدامات و آموزش را بر فطریات آدمی قرار می‌دهد و حجاب‌های فطرت را می‌زداید و فطریات را شکوفا می‌نماید، تربیتی فطری و متناسب با وجود آدمی، نیازهای او و در خور حقیقت انسانی است. تربیتی که در جهت خلاف حقیقت جویی، زیبایی دوستی، علم جویی، آزادی دوستی، عدالت خواهی و حق‌گرایی گام بردارد، تربیتی خلاف فطرت و دین الهی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳: ۹۱). بنابراین، این اصل یکی از مهم‌ترین اصول عام تعلیم و تربیت اسلامی است و مطابق این اصل می‌توان کسانی را که از حقیقت خداوند غافل شده‌اند را دوباره به سوی حق متمایل کرد.

۳- آخرت گرایی: انسان دارای حقیقتی جاودانه است (مبنای سوم انسان شناختی) و بنابراین میل به جاودانگی یکی از مهم‌ترین امیال انسان است. از نظر اسلامی پس از مرگ و متلاشی شدن جسم انسان، برای روح او زندگی حقیقی در آخرت شروع می‌شود و برهمن اساس انسان باید در انجام فعالیت‌هایش، آخرت را نیز در نظر بگیرد. این اصل باعث مسؤلیت‌پذیری می‌شود؛ زیرا افراد می‌دانند که باید در قبال اعمال خود پاسخگو باشند. این اصل همچنین اخلاق متربیبان و معلمان را دگرگون می‌کند و تغییری اساسی در نظام تعلیم و تربیت ایجاد می‌کند.

۴- پویایی و انعطاف‌پذیری: دین اسلام دینی جهان‌شمول است؛ یعنی محدود به منطقه یا زمان خاصی نمی‌شود. بنابراین، دین اسلام خود را موظف می‌داند در تمام زمان‌ها و به تمامی نیازهای انسان‌ها، برای رسیدن به سعادت پاسخ دهد و این امر را رسالت خود می‌داند. تعلیم و تربیت اسلامی باید ضمن پاسخگویی به مسائل ثابت، یعنی اموری که مختص به مکان یا زمان خاصی نیستند و همیشه وجود داشته‌اند، در رویارویی با مسائل متغیر نیز فعال باشد و قدرت پاسخگویی به آنها را داشته باشد. همچنین تعلیم و تربیت اسلامی باید در موقعیت‌های خاص از خود انعطاف‌پذیری نشان دهد. از همین روست که تعلیم و تربیت اسلامی در رویارویی با فناوری‌های نوین نه تنها استفاده از این فناوری‌ها را رد نکرده، بلکه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه خود توانسته است که به بهترین نحو از فرصت‌های فناوری‌های نوین بهره‌برد، و با شناسایی محدودیت‌های این فنلوری‌ها، انسان‌ها را از خطرات و تهدیدات آنها برحذر دارد.

۵- انطباق با اسلام: دین اسلام کامل‌ترین دین الهی و تنها دینی است که می‌تواند انسان‌ها را به کمال و سعادت برساند. از همین رو تمامی اهداف، روش‌ها، مبانی سیاست‌ها، برنامه‌ها و محتوای تعلیم و تربیت اسلامی، باید منطبق با دیدگاه‌های اسلام باشند و گرنه در غیر این صورت طرد می‌شوند.

تمام برنامه‌ها، روش‌ها، تکنیک‌ها و فنونی که یک معلم، یک مربی، یک مدیر، یک برنامه‌ریز، یک کارشناس در جریان تربیت به کار می‌برد، باید بر اساس نظام معیار اسلامی باشد. یعنی تربیت در اساس و چارچوب نظام معیار باشد به بیان دیگر اگر می‌خواهیم کار تربیت بدنی، تربیت هنری، تربیت اجتماعی، سیاسی و هنری انجام دهیم، حتماً با نگاهی که به دین داریم به عنوان نظام معیار، باید نظام معیار اسلامی حاکم باشد و حرف‌ها، روش‌ها، برنامه‌ها و محتواهای ما را تأیید کند (صادق زاده، ۱۳۹۹: ۷۷).



۶- عدالت: یکی دیگر از اصول مهم تعلیم و تربیت اسلامی است. قوانین اسلامی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که انسان‌های متعادل پرورش یابند.

رعایت عدالت چه در امور فردی و چه در روابط اجتماعی و چه در مناسبات اقتصادی و چه در دین داری، ساختاری را فراهم می‌کند که فرد و جامعه به رفتاری به‌هنجار دست یابند و از انحراف به دور باشند. بیشترین توفیق در اداره امور مرهون اعتدال در برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، کردارها و رفتارهای مدیریتی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). بنابراین افراط و تفریط در تعلیم و تربیت می‌تواند نتایج زیان‌باری داشته باشد و از این‌رو، در آموزش و تربیت متربیان، به ویژه کودکان، باید به تفریحات و سرگرمی‌های آنان نیز به اندازه کافی توجه شود.

۶- روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

روش‌های تعلیم و تربیت از مهم‌ترین موضوعاتی است که فرایند تعلیم و تربیت از طریق آنها انجام می‌شود. روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی شکل می‌گیرند. روش‌هایی که در تعلیم و تربیت از نظر اسلام قابلیت استفاده و به کارگیری را دارند بسیار زیاد هستند؛ بنابراین، برخی از مهم‌ترین این روش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

۱- ارائه الگو: از نظر اسلام، ارائه الگو یکی از روش‌های موثر تربیت است. اساس این روش، مشاهده افراد موفق، ایجاد انگیزه و علاقه برای همانند شدن آنها است. بنابراین، روش الگویی روشی عینی و محسوس و زوداثر است که شرط اصلی به کارگیری آن این است که متربی (دانش‌آموز) راه و روش الگو را بپسندد و برای عملکرد مشابه الگو، ترغیب گردد. از این‌رو، در تعلیم و تربیت اسلامی، از روش‌های مختلفی مانند معرفی شخصیت‌های برجسته اسلامی، و الگوسازی از رفتار معلمان و مربیان برای تربیت دانش‌آموزان استفاده می‌شود. این روش از تعالیم هدایت بخش قرآن کریم است و خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) را بهترین الگو معرفی کرده است.

۲- ترغیب و تشویق: تشویق، ایجاد انگیزه در شخص است تا عملی را انجام دهد. اساس عملکرد این روش، لذت است؛ زیرا شخص می‌تواند با پرداختن به عمل مشخص، به لذت دلخواه برسد. در تعلیم و تربیت تأثیر تشویق به مراتب مهم‌تر از نقش تنبیه است. تشویق دارای شرایطی است؛ از جمله اینکه نباید تشویق شخص را به غرور و خودبینی بکشانند، و یا مایه تحقیر شخص دیگری نشود و یا اینکه میزان تشویق متناسب و مناسب کار باشد. از این‌رو، در تعلیم و تربیت اسلامی، از روش‌های مختلفی مانند تشویق، پاداش، و تکریم برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان استفاده می‌شود.

۳- تذکر و نصیحت: از نظر اسلام، تذکر و نصیحت یکی دیگر از روش‌های موثر در تربیت است. اساس این روش، کلام پندآموزی است که انسان را به سوی خیر، و ترس از عواقب بد و ناگوار وا می‌دارد. این روش ریشه در تعالیم قرآنی مانند آیات تبشیر و انذار و نیز تعالیم انبیاء و اولیای الهی دارد. این روش به عنوان روش پیشگیری از اشتباه محسوب می‌شود و استفاده از این روش می‌تواند موجب جلوگیری از انجام خطا شود. از این‌رو، در تعلیم و تربیت اسلامی، از روش‌های مختلفی مانند موعظه، نصیحت، و پند و اندرز برای هدایت دانش‌آموزان استفاده می‌شود.



۴- تنبیه: از نظر اسلام، انسان دارای فطرتی پاک است اما همواره انسان در معرض اشتباه قرار دارد و ممکن است دچار خطا شود. هرچند در بسیاری از اوقات خیرخواهی والدین، معلمان و... موجب پیشگیری از خطا می شود اما گاهی با این وجود انسان در راه نادرست قرار می گیرد. در این صورت اگر موعظه و نصیحت شخص را از راه و عمل اشتباه باز ندارد، تنبیه یکی از روش‌هایی است که مورد استفاده قرار می گیرد. تنبیه صرفاً جسمانی نیست و حتی در بیشتر موارد اسلام این گونه امور را نفی می کند. برای تنبیه اصولی بیان شده از جمله اینکه با تکرار خطا تنبیه بیشتر شود یا قبل از هرگونه برخورد فیزیکی، به ترتیب مراحل آگاه کردن (بیان اشتباه) - تذکر (یادآوری اشتباه) - اخطار (هشدار عواقب) - ملامت (نکوهش با زبان) - قهر (قطع ارتباط) - تهدید، طی شوند و در صورتی که در هر کدام یک از مراحل، شخص به اشتباهش پی ببرد، باید تنبیه متوقف شود.

۵- محبت: از آنجا که انسان فطرتاً گرایش دارد که محبوب دیگران باشد و دوست دارد که رابطه‌ای عمیق و صمیمی با دیگران داشته باشد و بر این اساس، احساس لذت و آرامش نماید، این گرایش به عنوان یک ابزار برای تربیت محسوب می شود. نقش محبت آنقدر عمیق است که محبت علاوه بر تربیت باعث تبعیت، هدایت و اصلاح نیز می شود و همین مسئله اهمیت آن در تعلیم و تربیت اسلامی را دوچندان می کند. محبت باعث می شود تا مرتباً رازهایش را با مربی خود در میان بگذارد و علاوه بر ایجاد انس و صفا، سبب پرورش شخصیت او نیز می شود. در این روش گاهی محبت به صورت کلام، گاه به صورت عملی و حتی گاه با یک لبخند انجام می شود. این روش دارای اصولی است که باید آنها را رعایت کرد؛ از جمله اینکه محبت باید بدون شرط باشد یا اینکه باید مراقب بود که محبت باعث غرور یا پرتوقعی نشود.

۶- تکریم شخصیت: این روش در سازندگی و کمال بخشی به انسان نقش بسیار مهمی دارد. انسان برای خود احترام قائل است و خود را عزیز می داند، به همین دلیل همواره دوست دارد که دیگران او را ستایش کنند و مورد تحسین قرار دهند. در اسلام تکریم دیگران ضروری است و براساس تعلیم و تربیت اسلامی این امر یکی از روش‌های مؤثر در تعلیم و تربیت افراد محسوب می شود. با اینکه این روش مختص سن خاصی نیست، اما این روش به طور ویژه‌ای در مورد کودکان، مورد استفاده قرار می گیرد و نتایج مثبت زیادی از جمله، افزایش اعتماد به نفس، اجتماعی شدن، ایجاد انگیزه و... را در بردارد. سلام کردن به کودک، توجه به سخنانش، دست دادن به او و همبازی شدن با او، از جمله شیوه‌هایی هستند که مورد تأکید اسلام است.

۷- اهداف تعلیم و تربیت اسلامی

تعلیم و تربیت اسلامی اهدافی دارد که فرایند تعلیم و تربیت به منظور دست یافتن به آنها انجام می شود. این اهداف شامل اهداف عمومی و غایی هستند که به جهت اساسی بودن اهداف غایی، و اینکه این اهداف همه شئون زندگی انسان‌ها را در بر می گیرند، برخی از مهم‌ترین آنها را ذکر می کنیم؛



۱_ هدایت و رشد

در قرآن از هدایت با عنوان رشد یاد شده است. در تعالیم اسلام، همه موجودات به گونه‌ای در حال هدایت به سوی هدف خود هستند. براساس تعالیم اسلامی، خداوند انسان‌ها را به طور ویژه‌ای هدایت کرده است که به آن هدایت فطری گفته می‌شود. علاوه بر هدایت فطری، همواره تعلیم و تربیت اسلامی می‌کوشد تا راه سعادت را به انسان‌ها نشان دهد و مهمتر از آن، چگونگی حرکت در مسیر سعادت را نیز آموزش دهد. در واقع تعلیم و تربیت اسلامی نه تنها خود را موظف می‌داند که راه سعادت را نشان دهد، بلکه انسان‌ها را در این راه یاری می‌کند تا به آن دست پیدا کنند. تعلیم و تربیت اسلامی می‌کوشد تا افرادی که به آموزه‌های الهی عمل میکنند را در به بهترین نحو ممکن، هدایت کند.

۲_ پرورش ایمان و تقوا

تقوا عبارت از آن است که نفس، تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا خطا دچار نشود (باقری، ۱۳۹۰، ص ۷۸) و ایمان اعتقاد و باور قلبی نسبت به یک موضوع است. انسان با ایمان و تقوا، به ارزش‌های متعالی انسانی پایبند بوده و در مسیر سعادت و کمال گام برمی‌دارد. در قرآن کریم معیار برتری انسان‌ها، تقوا دانسته شده است؛ از این‌رو، تعلیم و تربیت اسلامی پرورش افرادی باتقوای الهی و مؤمن را هدفی بسیار مهم می‌داند. ایمان در حیطة شناخت، و تقوا در حیطة عمل قرار دارد که البته از نظر اسلام ایمان بدون عمل فایده‌ای ندارد و ایمان حقیقی، با عمل همراه است.

۳- کسب فضائل اخلاقی

تعلیم و تربیت اسلامی، به کسب فضائل اخلاقی تأکید بسیاری دارد. انسان با کسب فضائل اخلاقی، به فردی صالح و ارزشمند تبدیل می‌شود. در قرآن کریم بر کسب فضائل همچون راستگویی، امانتداری، نیک اندیشی، بردباری، خوش خلقی و... تأکید شده است و در روایات نیز کسب فضائل اخلاقی، مکمل ایمان دانسته شده است. کسب فضائل اخلاقی لزوم رسیدن به سعادت است و انسان هرچه در این راه بیشتر تلاش کند، رسیدن به سعادت حقیقی، برایش میسرتر می‌شود.

تعلیم و تربیت اسلامی نیز می‌کوشد تا لزوم رسیدن به فضائل اخلاقی را برای انسان‌ها تبیین کند و راه رسیدن به آنها را نیز آموزش دهد. از این رو اخلاق و ارزش‌های اخلاقی جایگاه ویژه‌ای در تعلیم و تربیت اسلامی دارند و در زمره اهداف غایی تعلیم و تربیت اسلامی قرار می‌گیرند.



۴- حیات طیبه

حیات طیبه که از مهم ترین اهداف تعلیم و تربیت اسلامی است، به معنای پاک بودن انسان از ظلم، خیانت، دشمنی و هرچیزی است که زندگی انسان را دچار آلودگی کند. نتیجه این امر، تحقق جامعه‌ای آرمانی است که در آن، همه انسان‌ها، از هرگونه نابسامانی و مشکلی درامان خواهند بود.

حیات طیبه وضع مطلوب وجود آدمی است که در ارتباط با خدا و به سبب ایمان و عمل صالح به وجود می آید و با تحقق آن همه ابعاد زندگی انسان از آلودگی پاک می شود. هدف غایی آموزش و پرورش نیز فراهم کردن زمینه برای تحقق حیات طیبه در زندگی فردی و جمعی دانش آموزان است (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰: ۱۰۹). حیات طیبه هم ثمره ایمان و تقوا، یعنی التزام به دستوره‌های خداوند متعال است، هم ملازم با آن. به همین جهت، یکسره از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها به دور است (همان: ۱۰۶). بنابراین، تعلیم و تربیت اسلامی می‌کوشد تا با تحقق این هدف جامعه آرمانی اسلامی را محقق سازد.

۵- قرب و رضوان

قرب به معنای نزدیکی به خداوند است که البته این نزدیکی مکانی نیست؛ بلکه یک نزدیکی حقیقی است. انسان باید بکوشد تا به مقام قرب الهی که از آن به لقاءالله نیز تعبیر می‌شود، برسد؛ البته خداوند به انسان‌ها نزدیک است، اما این انسان‌ها هستند که با اعمال و گفتار خود از خداوند دور می‌شوند.

رضوان نیز به معنای توجه انسان به خداوند و دست یافتن به مقام رضایت الهی است؛ به عبارت دیگر اگر انسان تمام افکار، اعمال و گفتار خود را در جهت رضایت الهی انجام دهد، به درجه‌ای از قرب الهی می‌رسد که بالاتر از آن نیست. بنابراین رضوان اوج تقرب به خداوند است.

در تعلیم و تربیت و اسلامی نیز رسیدن به مقام قرب الهی و اوج آن، یعنی رضوان، مهم ترین هدف برشمرده شده است و از این‌رو، نظام تعلیم و تربیت اسلامی نیز رسیدن به این هدف را سرلوحه کار خود قرار داده است.

۸- نقش آموزگار در تعلیم و تربیت اسلامی

معلم یکی از مهمترین عوامل در تعلیم و تربیت اسلامی است. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی معلم دارای رکن اساسی است. درواقع معلم فرایند انتقال دانش و به کارگیری شیوه‌های تربیتی را برعهده دارد و همین موضوع باعث جایگاه ویژه او، در نظام تعلیم و تربیت می‌شود. البته باید توجه داشت که در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی، معلم صرفاً به معنای خاص و رسمی آن به کار نمی‌رود، بلکه در معنای عام نیز کاربرد دارد و حتی می‌تواند شامل پیامبران، والدین و دیگر افرادی که در تعلیم و تربیت نقش دارند نیز بشود؛ چنانچه که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (علاءالدین علی بن حسام، ج ۱۰، ص ۱۶۹) «من



معلم برانگیخته شدم». با توجه به حدیث نبوی فوق و دیگر روایات، متوجه می شویم که معلم دارای جایگاهی والا در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. از نظر اسلام، معلم باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- ایمان و تقوی: معلم باید دارای ایمان و تقوی باشد تا بتواند دانش آموزان را به راه راست هدایت کند.
 - ۲- علم و دانش: معلم باید دارای علم و دانش کافی در زمینه تعلیم و تربیت باشد تا بتواند دانش آموزان را به درستی تربیت کند.
 - ۳- مهارت‌های ارتباطی: معلم باید دارای مهارت‌های ارتباطی باشد تا بتواند با دانش آموزان ارتباط مؤثر برقرار کند.
 - ۴- صبر و بردباری: معلم باید دارای صبر و بردباری باشد تا بتواند با مشکلات و چالش‌های تربیتی به خوبی مقابله کند.
- با توجه به نقش مهمی که معلمان در تعلیم و تربیت دارند، لازم است که به تربیت معلمان در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، توجه بیشتری شود. این امر، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و منسجم در این زمینه است و با این کار، می توان به معلمان کمک کرد تا با پرورش انسان‌هایی صالح و مؤمن، جامعه آرمانی اسلام را محقق سازند.
- تربیت معلمان در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، می‌تواند به موارد زیر کمک کند؛

۱- ارتقای کیفیت آموزش دینی

۲- تقویت بنیان‌های دینی در جامعه

۳- پاسخگویی به نیازهای جدید جامعه

۴- همکاری بین نهادهای مختلف تربیتی

۹- نقش خانواده در تعلیم و تربیت اسلامی

خانواده یکی از مهمترین نهادهای تربیتی در جامعه است. در این راستا خانواده‌ها و به ویژه والدین، می‌توانند نقش مهمی در تحقق اهداف تعلیم و تربیت اسلامی ایفا کنند. از جمله مهم‌ترین کارهایی که والدین باید انجام دهند عبارتند از:

۱- الگوسازی: یکی از مهمترین نقش‌های والدین در تعلیم و تربیت اسلامی، الگوسازی است. والدین باید با رفتار خود، به فرزندان خود نشان دهند که چگونه مانند یک مسلمان واقعی زندگی کنند. والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که چگونه با دیگران مهربان باشند، چگونه از ارزش‌های اسلامی دفاع کنند، و چگونه در جامعه‌ای اسلامی زندگی کنند.

۲- تربیت دینی: یکی دیگر از مهم‌ترین نقش‌های والدین در تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت دینی فرزندان است. والدین باید به فرزندان خود اصول و ارزش‌های اسلامی را بیاموزند. والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که چگونه نماز بخوانند، چگونه روزه



بگیرند، و چگونه به دیگران کمک کنند. همچنین خانواده در دوران قبل از مدرسه بیشترین تاثیر را بر فرزندان دارد و بنیان‌های فکری آنها تحت تاثیر خانواده و به خصوص پدر و مادر شکل می‌گیرند؛ به همین دلیل آموزش اصول و عقاید اسلامی، ابتدا در خانواده انجام می‌شود.

۳- ایجاد محیطی مناسب در خانه: والدین باید محیطی مناسب در خانه ایجاد کنند تا فرزندان آنها بتوانند رشد کنند و به کمال برسند. والدین باید خانه‌ای را فراهم کنند که پر از عشق، محبت، و آرامش باشد. والدین باید به فرزندان خود اجازه دهند تا آزادانه عقاید خود را بیان کنند و سوالات خود را بپرسند.

۴- آموزش مهارت‌های زندگی: مهارت‌های زندگی، مانند مهارت‌های ارتباط با دیگران، حل مسائل زندگی و تصمیم‌گیری، برای موفقیت در زندگی، ضروری هستند. لازم است که این مهارت‌ها توسط خانواده و به ویژه والدین به فرزندان آموزش داده شوند؛ زیرا علاوه بر ارتقا کیفیت زندگی آنها، باعث می‌شوند تا از آسیب‌های اجتماعی بیشتر مصون باشند.

۱۰- چالش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

تعلیم و تربیت اسلامی با چالش‌های مختلفی روبرو است که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱- تعارض میان سنت و مدرنیته: سنت و مدرنیته دو مفهومی هستند که در طول تاریخ بشر با یکدیگر در تقابل و همزیستی بوده‌اند. از نظر برخی، تعلیم و تربیت اسلامی باید بر اساس سنت‌های اسلامی شکل بگیرد، اما از نظر برخی دیگر، باید تعلیم و تربیت اسلامی با توجه به نیازهای روز، و پیشرفت‌های علمی و فناوری، بازنگری شود. این تعارض می‌تواند منجر به سردرگمی، بی‌هدفی، و حتی بی‌ثباتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی شود؛ به عنوان مثال، یک نظام تعلیم و تربیت اسلامی ممکن است بر ارزش‌های دینی و اخلاقی سنتی تأکید داشته باشد، اما در جامعه، ارزش‌های مدرنی مانند فردگرایی، مصرف‌گرایی، و انسان‌گرایی رواج داشته باشد.

۲- جهانی شدن: جهانی شدن، مفهومی است که هم، به فشرده شدن جهان و هم به تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل، و هم به وابستگی متقابل و واقعی جهان، و هم به آگاهی و یکپارچگی جهان اشاره دارد (جهانیان، ۱۳۸۹). در واقع جهانی شدن فرآیندی است که در آن جهان به یک مکان کوچکتر و بهم پیوسته‌تر تبدیل می‌شود. این فرآیند ناشی از عوامل مختلفی از جمله پیشرفت‌های فناوری، تجارت جهانی، و مهاجرت است. از نظر برخی جهانی شدن یکی از چالش‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی است؛ زیرا با توجه به سلطه رسانه‌های غرب، جهان غرب ارزش‌های غربی را به عنوان ارزش‌های جهانی تحمیل می‌کند و این امر، موجب تضعیف ارزش‌های اسلامی، در حوزه تعلیم و تربیت می‌شود.

۳- تغییرات اجتماعی: تغییرات اجتماعی، عبارتند از: «دگرگونی‌هایی که در ساختارها، کارکردها و ارزش‌های جامعه رخ می‌دهند.» تغییرات اجتماعی یکی دیگر از چالش‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی هستند. از نظر برخی، این تغییرات باعث شده‌اند که تعلیم و تربیت اسلامی دیگر پاسخگوی نیازهای جامعه نباشد، بنیان‌های خانواده تضعیف شوند، فرهنگ غربی و سکولاریسم گسترش پیدا کنند و در نهایت باعث انفعال تعلیم و تربیت اسلامی شده‌اند.



۴- تغییرات تکنولوژیکی: تغییرات تکنولوژیکی، با سرعت زیادی در حال رخ دادن هستند و این امر، نیازهای جدیدی را برای تعلیم و تربیت ایجاد می‌کند. تغییرات تکنولوژیکی، باعث تغییراتی در سبک زندگی انسان‌ها شده‌اند. این تغییرات، می‌توانند باعث کاهش تعاملات اجتماعی و کاهش فعالیت‌های بدنی شوند. فضای مجازی نیز که حاصل این تغییرات است، مشکلات و خطرات زیادی را به وجود آورده است؛ به عنوان مثال، باعث ایجاد انحراف اخلاقی و دینی در بسیاری از افراد شده است. از سویی نیاز به تکنولوژی و استفاده از آن در ارکان و روش‌های تربیت امری ضروری است و از سویی دیگر تعلیم تربیت اسلامی در صورت عدم مدیریت این امر، با مشکلات زیادی مواجه می‌شود.

۱۱- راهکارهای حل چالش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

برای حل چالش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، راهکارهای مختلفی وجود دارد که برخی از مهمترین آنها را بیان می‌کنیم؛

۱- بازنگری در محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی: برای اینکه تعلیم و تربیت اسلامی بتواند پاسخگوی نیازهای روز باشد، لازم است در محتوا و روش‌های آن بازنگری شود. این بازنگری باید بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی انجام شود و به گونه‌ای باشد که اصول و ارزش‌های اسلامی حفظ شوند، اما درعین حال با توجه به نیازهای روز، تغییرات لازم در روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی اعمال شوند. بازنگری در محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، یک فرآیند پیچیده و زمان‌بر است. برای اجرای این فرآیند، باید از مشارکت متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف، استفاده شود. همچنین، باید برنامه‌ریزی دقیق و مدون انجام شود.

۲- ارتقای کیفیت آموزش: برای اینکه تعلیم و تربیت اسلامی بتواند انسان‌های کاملی را تربیت کند و موجب گسترش تعلیم اسلامی شود، لازم است کیفیت آموزش در جامعه ارتقا یابد. با ارتقای کیفیت آموزش، می‌توان محتوای آموزشی را با نیازها و مقتضیات روز انطباق داد. در ضمن این امر، زمینه‌سازی برای کنترل پدیده جهانی شدن و نیز تغییرات اجتماعی است و می‌تواند اسلام و تعلیم و تربیت اسلامی را در برابر خطرات و تهدیدات ارزش‌های غربی مصون کند. این امر، مستلزم توجه به عوامل مختلفی مانند تربیت معلمان و مربیان کارآمد، تامین منابع آموزشی، ایجاد محیط آموزشی مناسب و تقویت رسانه‌های اسلامی است.

۳- تحلیل و نقد متون اسلامی: برای پاسخگویی به نیازهای جدید جامعه، لازم است که متون اسلامی، با توجه به مقتضیات عصر حاضر، تحلیل و نقد شوند. این امر، مستلزم این است که تحلیلگر، از دانش و مهارت کافی برای انجام این کار برخوردار باشد و قوائد علمی و اخلاقی را رعایت کند. تحلیل و نقد متون اسلامی علاوه بر اینکه موجب فهم بهتر مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، و جلوگیری از برداشت‌های نادرست از متون اسلامی می‌شود، تطبیق متون اسلامی با شرایط و نیازهای امروزی را نیز به دنبال دارد.

۴- کاربرد فناوری‌های نوین: با توجه به پیشرفت‌های علمی، لازم است تا تعلیم و تربیت اسلامی از فناوری‌های جدید استفاده کند تا از این طریق بتواند موجب آموزش مهارت‌های زندگی اسلامی، آموزش مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، و در نهایت ترویج



فرهنگ اسلامی شود. از سویی دیگر، تعلیم و تربیت اسلامی می تواند محدودیت ها و مضرات فناوری را نیز بشناسد و بتواند آنها را مهار کند. البته استفاده از فناوری های نوین در تعلیم و تربیت اسلامی، باید با توجه به اصول و ارزش های اسلامی انجام شود؛ به عنوان مثال، باید از فناوری هایی استفاده کرد که محتوای آنها با ارزش های اسلامی مطابقت داشته باشند.

۱۲- نتیجه گیری

تعلیم و تربیت اسلامی دارای رویکردی جامع و همه جانبه است که بر پرورش انسانی کامل که از نظر علمی، اخلاقی، و معنوی به کمال رسیده باشد، تاکید دارد. این رویکرد، در طول تاریخ شکل های گوناگونی به خود گرفته است که با هم تفاوت هایی داشته اند، اما در اصل اسلامی بودن، واحد بوده اند. امروزه رویکرد های قدیمی کاربرد چندانی ندارند و بیشتر رویکرد فلسفی مورد توجه است. تعلیم و تربیت اسلامی براساس اصول، مبانی و ارزش های اسلامی شکل می گیرد و از روش های مختلفی برای تحقق اهداف خود استفاده می کند. این رویکرد، به دنبال تربیت انسان هایی است که در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، رشد و تعالی یافته باشند. امروزه تعلیم و تربیت اسلامی با چالش هایی روبه رو است که رفع آنها، نیازمند بازنگری در تعلیم و تربیت اسلامی، توجه ویژه به عوامل مؤثر در تقویت آن، و در نهایت عمل کردن افراد جامعه به آموزه های تعلیم و تربیت اسلامی است. تحقق این امر، نیازمند اصلاحات در تعلیم و تربیت اسلامی، استفاده از روش های نوین تربیتی، تلفیق آنها با تعلیم و تربیت اصیل اسلامی، و به کارگیری آنها است. علاوه بر این، برای تحقق این هدف، لازم است نقش معلم و خانواده در تعلیم و تربیت اسلامی، با توجه به مقتضیات عصر حاضر، بازنگری شود. در این راستا باید خانواده به عنوان اولین و مهم ترین کانون تربیتی تقویت شود و در انتخاب معلمان و ایجاد صلاحیت تربیتی در آنها، توجه ویژه ای شود.

در نهایت باید گفت که تعلیم و تربیت اسلامی دارای چارچوبی اساسی است که غایت انسان ها را نیز سرلوحه کار خود قرار می دهد و به همین جهت، رویکرد آن، رویکردی صحیح و جامع است که البته با توجه به تغییرات اجتماعی و سایر عوامل دیگر، با چالش هایی روبه رو است. اما از آن جهت که تعلیم و تربیت اسلامی دارای پویایی است، با به کار بردن راهکارهایی، می تواند این چالش ها را کنار بزند و انسان ها را به کمال برساند.



مراجع

۱. قرآن کریم
۲. آصفی، محمدمهدی، چالش‌های معاصر و برنلمه رویارویی اسلام، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معلونت فرهنگی، ۱۳۹۲
۳. اعرافی، علیرضا و موسوی، سید نقی، تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، شماره ۱۴، صص ۷-۲۸، ۱۳۹۱
۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ چهل و نهم، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶
۵. بهرامی پور، عباس و دیگران، نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری مد ظله العالی، فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، شماره ۳، صص ۲۵۸-۲۸۰، ۱۳۹۹
۶. جهانیان، رمضان، نظریه جهانی شدن و نقش آن در تعلیم و تربیت، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۳، صص ۵-۲۴، ۱۳۸۹
۷. داودی، محمد، و کارآمد، حسین، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ هشتم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سبزوار: دانشگاه فرهنگیان، ۱۴۰۰
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۹۳
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
۱۰. رضایی، محمد و دیگران، کارکرد های تربیت عقلانی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۸، صص ۲۹-۵۳، ۱۳۹۷
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳
۱۲. صادق زاده، علیرضا، اسناد تحولی و فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی، جزوه برای دبیران، ۱۳۹۹
۱۳. کاردان، علیمحمد و دیگران، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲
۱۴. کاویانی، صدیقه و نوروزی، رضاعلی، آسیب شناسی تربیت دینی در حیطه فردی از منظر نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴۲، صص ۵-۲۶، ۱۳۹۸
۱۵. متقی، علی بن حسلم الدین، کنز العمال فی سنن الأقال و الأفعال، جلد دهم، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ه ق
۱۶. محمدی، عباس و دیگران، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۴۰۲
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی و همکاران، فلسفه و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱